



doi Codicology of "Tazkirat al-Abrar" and analysis of the stylistic features of the manuscript from the Malek National Library in Tehran

Hossein Ibn Ali Chermahini¹

Esmail Tajbakhsh²

Mahmoud Bashiri³

Submitted: 2024-06-27 Revised: 2024-07-17 Accepted: 2024-08-05 Published: 2025-09-23 pp.215-243

Abstract

Through the study of a work's manuscripts, it becomes possible to carry out precise editing, comprehensive analysis, and to fill the gaps in the knowledge of codicology. *Tazkirat al-Abrar* is a work with mystical themes, describing the lives of Sufi Sayyids in the Indian subcontinent who were initiated into various Sufi orders. Some of the prominent figures among them also served in military and governmental affairs. This book is largely unknown to most scholars and has not been introduced or published elsewhere. The purpose of this article is to identify the manuscripts of *Tazkirat al-Abrar*, clarify the ambiguity surrounding its true author. This theoretical study uses a descriptive-analytical method to collect, compare, and draw final conclusions on the subject. Linguistically, the dominant style of the Mughal period is evident in the frequent use of compound adjectives, participial forms, equivalent adjective-noun pairs, weak sentence structures, Indian and Gujarati vocabulary, Persian words commonly used in the subcontinent, and unconventional plural forms such as *Afaghina* (Afghans) in this *tazkira* (biographical compendium). From a content perspective, the use of miraculous acts attributed to the sheikhs, followed by discussions on sainthood in Sufism, *Welayah*, *Tawhid*, knowledge of the divine, and the significance of the *kherqa* (successorship cloak), are more frequent.

Keywords: Tazkirat al-Abrar, Codicology, author, Sufism in the subcontinent, Sadat of Bukhara.

CONFLICT OF INTERESTS

The authors declare that there is no conflict of interest regarding the publication of this paper.

This is an open access article under the terms of the [Creative Commons Attribution-NonCommercial License](#), which permits use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.

© 2024 The Author(s). Journal of Codicology and manuscript research published by Torath pub. on behalf of the Scientific Association of Manuscript Research and Codicology of IRAN.



1. (Corresponding Author) PhD. Student, Department of Persian Language and Literature. Faculty of Persian Literature and Foreign Languages. Allameh Tabataba'i University. Tehran. Iran.
2. professor of Persian Language and Literature. Faculty of Persian Literature and Foreign Languages. Allameh Tabataba'i University. Tehran. Iran.
3. Associate Professor. Department of Persian Language and Literature. Faculty of Persian Literature and Foreign Languages. Allameh Tabataba'i University. Tehran. Iran.



References

- Arya, Gholamali. (1986). *The Chishti Method in India and Pakistan*. Tehran: Zavar.
- Asadi, Abdul Ghafour bin Zia al-Din Haidar. (n.d.). *Tazkira al-Abrar*. Manuscript. No. 3477. Tehran: Malek National Library.
- _____. (n.d.). *Tazkira al-Abrar*. Manuscript. No. 9765. Qom: Ayatollah Marashi Library.
- _____. (n.d.). *Tazkira al-Abrar*. Photographic manuscript. No. 10. Tehran: Khorasan Cultural Center.
- Afshar, Iraj. (2004). "Dr. Asghar Mahdavi and Manuscripts." *Supplement to Baharestan*. No. 9-10. Spring and Winter 2004. pp. 3-8.
- Daraeiti, Mustafa. (2012). *Catalog of Manuscripts of Iran (Fankha)*. Vol. 7. Tehran: Islamic Republic of Iran National Library and Archives Organization.
- Dekhoda, Ali Akbar. (1998). *Dictionary*. Volumes 3 and 5. 2nd ed. Tehran: University of Tehran.
- Pourjavadi, Nasrollah. (2010). "Jamali Dehlavi." *Great Islamic Encyclopedia*. Vol. 18. Tehran: Great Islamic Encyclopedia. pp. 438-440.
- Radfar, Abolghasem. (2007). *Mystical Tazkiras*. Jiroft: Islamic Azad University of Jiroft.
- Rabiyaan, Mohammad Reza. (2001). "Persian Tazkira Writing in the Subcontinent." *Encyclopedia of Persian Literature in the Subcontinent*, supervised by Hassan Anousheh. Vol. 4. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Printing and Publishing Organization. pp. 746-747.
- Samani, Seyed Mahmoud; Montazeri, Asghar. (2011). "Genealogical Knowledge with Emphasis on the Role of Imamite Shiites." *Quarterly Journal of History of Islamic Culture and Civilization*. Year 1. No. 3. Summer 2011. pp. 37-66.
- Safi, Qasem. (2008). *Spring of Literature (A Brief History of the Persian Language and Literature in the Subcontinent)*.
- Zarinkoob, Abdolhossein. (2010). *Continuation of the Search in Iranian Mysticism*. 8th ed. Tehran: Amir Kabir.
- Zahra Mirza, Faiza. (2009). "The Contribution of Tazkira Writers in Promoting Persian Language and Literature." *Quarterly Journal of Subcontinent Studies*. Year 1. No. 1. Winter 2009. pp. 135-158.



doi نسخه‌شناسی تذکرة الأبرار

حسین ابن علی چرمهینی^۴    اسماعیل تاجبخش^۵  محمود بشیری^۶ 

از صفحه ۲۱۵ تا صفحه ۲۴۳ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

چکیده

به مدد شناخت نسخه‌های خطی یک اثر امکان تصحیح دقیق، تحلیل جامع و پُر کردن خلأهای دانش نسخه‌شناسی فراهم می‌شود. تذکرة الأبرار اثری است با درونمایه عرفانی در شرح احوال سادات صوفی شبه‌قاره هند که در سلاسل مختلف فقری مشرف شده بودند و برخی از بزرگان آنها در امور لشکری و حکومتی خدمت می‌کردند. این کتاب برای بیشتر پژوهشگران ناشناخته است و در جایی معرفی و منتشر نشده است. هدف از نوشتن این مقاله شناسایی نسخه‌های خطی تذکرة الأبرار و رفع ابهام درباره مؤلف واقعی آن است. پژوهش حاضر، مطالعه‌ای نظری است که به روش توصیفی - تحلیلی به گردآوری، مقایسه و نتیجه‌گیری نهایی درباره این موضوع پرداخته است. از نظر زبانی سبک غالب دوره گورکانی مانند صفات ترکیبی، وجه وصفی مکرر، صفت و موصوف هم‌ارز، ضعف تألیف، واژه‌های هندی و گجراتی، کلمات فارسی رایج در شبه‌قاره و جمع‌های غیرمتعارف نظیر افاغنه در این تذکره به چشم می‌خورد. از دیدگاه محتوایی نیز کاربرد کرامت‌های مشایخ و پس از آن مبحث ولایت در تصوّف، معرفت و توحید و اهمیت جایگاه خرقه‌جانشینی بسامد بیشتری دارد.

کلمات کلیدی: تذکرة الأبرار، نسخه‌شناسی، مؤلف، تصوّف شبه‌قاره، سادات بخارا.

Cite this article: Cite this article: Ibnali chermahini, Hossein. Tajbakhsh, Esmaeil . Bashiri, Mahmoud. (2025). The textual criticism of "Tazkirat al-Abrar" and analysis of the stylistic features of the manuscript from the Malek National Library in Tehran. Journal of Codicology and Manuscript Research (JCMR)(In Persian: Pizhūhish/hā-yi nuskhah/shināsī va taṣṭīḥ-i mutūn). Vol-4, Issue-2. 215-243. <https://doi.org/10.22034/crtc.2025.469965.1154>

۴ . (نویسنده مسؤل). دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران. ایران.

۵ . استاد گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران. ایران.

۶ . دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران. ایران.



۱- مقدمه

تصوف و عرفان که محصول فکری پس از اسلام است با بهره‌گیری از آیات قرآن و احادیث نبوی پشتوانه‌ای قوی به دست آورده است و در مسیر خویش در هر دوره رفتار و کنش‌های اخلاقی و اجتماعی پسندیده و سخنان اولیا و مشایخ را به اندوخته‌های پیشین خویش افزوده است و حقیقتاً تأثیری شگرف بر اندیشه مردم، فرهنگ، ادبیات و افکار مسلمانان به ویژه در ایران و هندوستان گذاشته است. با گسترش روزافزون خانقاه‌ها و مکاتب عرفانی، تصوف از مرز کشورهای اسلامی سوریه و عراق گذشت؛ به خراسان بزرگ و شهرهایی چون بلخ رسید و پس از آن در فرارودان از جمله بخارا جای گرفت و با حرکتی خودجوش و آگاهانه به سمت شبه قاره هند رهسپار شد. اندک اندک صوفیانی از شهرهای خراسان بزرگ به شبه قاره کوچ کردند و یکی از آن جمله معین‌الدین چشتی است که از قریه چشت افغانستان به اجمیر رفت (صافی، ۱۳۸۷: ۵۶). می‌توان گفت تصوف اسلامی به طور جدی از قرن پنجم وارد هندوستان شد و در برخی شهرها رواج یافت و از قرن هفتم برای هندوان و مردمان آنجا شناخته شده بود. هجویری یکی از نخستین شخصیت‌های عرفانی و دینی است که در پرتو تعالیم وی صدها هزار نفر از هندوان به اسلام مشرف شدند. او از غزنین به لاهور آمد و این شهر را مرکز تبلیغات خود قرار داد. نقش او با لقب گنج‌بخش در بنیان‌گذاری سلسله‌های صوفیه در شبه قاره خیلی مهم است. معین‌الدین چشتی در مزار او به چله نشست و این شعر را سرود:

گنج بخش فیض عالم مظهر نور خدا ناقصان را پیر کامل، کاملان را رهنما (همان: ۳۴-۳۵).

عبدالغفور بن ضیاء‌الدین حیدراسدی مؤلف تذکره‌الابرار که در این مقاله نام وی را به اختصار عبدالغفوراسدی ذکر کرده‌ایم در پی آن بوده است که نسب گروهی از سادات والا مقام ساکن در شبه قاره هند را به صورتی دقیق بیان کند و براساس اندوخته‌های خویش و آنچه از بزرگان همعصر خود شفاهاً شنیده یا کتباً دیده، نسب‌نامه گروهی از سادات بخارا که در هندوستان به مقامات بالای عرفانی، اخلاقی، کشوری و لشکری رسیده‌اند را به درستی و با تامل در خاندان آنان به ثبت برساند. او در حقیقت خدمت بزرگی به نسب‌شناسی نیز نموده است. دانشمندان نسب‌شناس در طول تاریخ اسلام، با تلاش خستگی‌ناپذیری که انجام داده‌اند، بانی اقدامات مهمی در حفظ و انتقال انساب شدند. اهتمام آنها بیشتر معطوف به نسب سادات بوده است. با تلاش‌های آنها انساب سادات از فراموشی‌های یافته و با زحمات فراوان، توانسته‌اند دانش نسب‌شناسی را از صدر اسلام تا کنون بازسازی کرده و از آن پاسداری نمایند (سامانی و منتظرالقائم، ۱۳۹۰: ۶۲). سادات هند که از اعقاب و نوادگان سادات بخارا و ایران هستند تقریباً از قرون دوم و سوم و هم‌زمان با گسترش اسلام در شبه قاره به آنجا مهاجرت کردند و در سده‌های بعدی به دلایل سیاسی و اجتماعی مذهبی تعداد بیشتری از آنان وارد شبه قاره شدند. «یکی از اولین کسانی که در هند برای گسترش اسلام و نفوذ آن در دل مردم قدم برداشت شیخ اسماعیل بخاری است. وی از سادات بخارا و از نظر علوم دینی و دنیوی معروف است. گویند وی نخستین مبلغ اسلامی است که در سال سیصد و نود و شش هجری قمری در شهر لاهور تبلیغات خود را آغاز کرده است» (آریا، ۱۳۶۵: ۳۴). اما نکته جالب درباره آنها این است که همه آنها لزوماً پیرو مذهب شیعه نبودند و اگر چه سید بودند مذهب



حنفی یا شافعی داشتند، برای نمونه امیر سیدعلی همدانی با وجود علاقه فراوان نسبت به اهل بیت به مذهب شافعی گرایش داشت و اعتقاد و اخلاصی که نسبت به علی و آل علی نشان می‌داد مانع از تکریم و تعظیم در حق صحابه و خلفای راشدین نبود. مع‌هذا نسب علوی او در کشمیر و بدخشان از اسباب عمده در نشر محبت اهل بیت در بین سنیان آن نواحی شد (زرین کوب، ۱۳۸۹: ۱۸۱).

در تذکره‌الابرار که موضوع پژوهش ما است، مصنف اثر نسب سادات مذکور را از نسل امام زین‌العابدین (ع) و جعفر بن علی النقی (ع) می‌داند که بیشینه این سادات از خاندان همین جعفر بن علی هستند. او در بغداد متولد شده و در اوایل قرن چهارم وفات یافته است. می‌توان حدس زد که پس از سه نسل، نوادگان جعفر [مشهور به کذاب] به ایران می‌آیند و نسل چهارم یعنی محمود بن احمد بخاری از مشهد مقدس به بخارا رفته و فرزندانش در آن شهر متولد شده‌اند. چهارمین پسر محمد مشهور به سید جلال اعظم بخاری «در ایامی که حضرت غوث‌العالم به بخارا [تشریف] برده بود و چندگاه در خانقاه والد بزرگوار او سیدعلی به تدریس ظاهر و تقدیس باطن اشتغال داشت... به طریق سیر و سیاحت از بخارا به جانب بسند و هند متوجه گردید... و در سنه ششصد و سی و پنج در ملتان به ملازمت حضرت غوث‌العالم شیخ بهاء‌الدین زکریا قدس سره رسیده کسب کمالات نمود. چون به درجه تکمیل رسید خرقة خلافت و اجازت یافته به اجه [اوچ] مرخص شد» (اسدی، ملک. بی تا: ۵۹-۶۰).

تذکره‌نویسی در شبه‌قاره با تاسی از فرهنگ ایران کار خود را آغاز کرد. بدون تردید در میان تذکره‌های ادبی هندوان، از کتاب‌های ایرانیان مانند لباب‌الاباب عوفی، و نیز در تصنیف تذکره‌های صوفیانه تذکره‌الاولیای عطار را سرمشق کار خویش قرار دادند. در قرن هشتم شهر تته [تته] بزرگترین مرکز علمی بود و تذکره‌نویسی از همین شهر گسترش یافت و گواه آن وجود تذکره‌های فراوانی است که به رغم فراز و فرود روزگاران به آیندگان رسیده است. نخستین تذکره‌اولیای سند به زبان فارسی کتابی است به نام تذکره‌الاولیا تالیف علامه قاضی محمد تنوی که در سال نهصد و هشتاد هجری قمری تألیف شده ولی اکنون در دست نیست (زهرا میرزا، ۱۳۸۸: ۱۳۶-۱۳۷). دربار شاهان هند به ویژه گورکانیان برای شعرای مهاجر ایرانی و شاعران و ناظران هندی که فارسی می‌دانستند محلی بسیار مناسب بود. همچنین رشد و گسترش سلسله‌های مشهور صوفیه مثل سهروردیه، چشتیه و نقشبندیه در هند و سند باعث شد پیروان و محبان سلوک عارفانه، تذکره‌هایی درباره زندگی، کرامات و بزرگی مشایخ و اقطاب خود بنویسند که این شیوه پس از ادامه یافتن در قرن‌های یازده تا چهارده هجری قمری به اوج خود رسید و امروز علاوه بر تذکره‌های شعری و عرفانی نوشته شده در شبه‌قاره که چاپ و منتشر شده‌اند، هنوز چندین و چند نسخه خطی دست نخورده و ناشناخته در این سرزمین وجود دارد که اطلاعی از آنها و مؤلفانشان در دست نیست و تا زمانی که تمامی آنها معرفی و شناسایی نگردند، به عظمت حرفه تذکره‌نویسی و آشنایی بیشتر با شعرا، عرفا و فرهنگ ایرانی-اسلامی پی نخواهیم برد.



۱-۱- هدف پژوهش

موضوع اصلی این مقاله معرفی نسخه‌های خطی تذکرة الابرار است. چون تذکرة الابرار تا کنون تصحیح نشده است و پژوهشگران آن را نمی‌شناسند، نگارندگان سعی دارند آن را به تفصیل معرفی کنند تا دریچه‌ای تازه برای تحقیق در مورد تذکره‌های عرفانی قرن یازدهم در شبه‌قاره هند به روی علاقه‌مندان و پژوهشگران ادبیات فارسی باز گردد. کتاب تذکرة الابرار به قدری ناشناخته باقی مانده است که حتی پژوهشگرانی همچون سیدعلیرضائقوی صاحب تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان و احمد گلچین معانی نویسنده کتاب تاریخ تذکره‌های فارسی، هیچ اشاره‌ای به آن نکرده و نامی از آن نبرده‌اند. تذکرة الابرار که نگارنده آن را به عنوان رساله دکتری برگزیده ام یکی از همین صدها تذکره است که در کمتر متنی اطلاعی از آن وجود دارد و شاخصه مهم آن این است که تذکره‌ای راجع به سادات بخارا است که در شبه‌قاره به ویژه سرزمین سند نشو و نما یافته‌اند. سادات بخاری به نحله‌های فکری و عرفانی مختلفی وابسته‌اند و حتی روابطی با دربار دارند و برخی از آنها مناصب حکومتی و لشکری نیز دارند. این تذکره که به گواه نویسنده اش بین سال‌های ۱۰۳۲ تا ۱۰۳۷ هجری قمری نوشته شده است در اصل براساس ارادت نویسنده به یکی از سادات حسینی یعنی سیدعبدالوهاب بخاری نوشته شده و سپس به یک تن از منصب‌داران عصر گورکانی که او هم از سلاله سادات است، تقدیم گشته است. این اثر ظرفیت بالایی برای پژوهش و بررسی دارد و نگارنده با راهنمایی و مشورت استادان بزرگوارم در حال تصحیح آن هستم.

۱-۲- پیشینه و ضرورت تحقیق

درباره تذکرة الابرار علاوه بر معرفی کوتاه چند نسخه خطی در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران به کوشش مصطفی درایتی، آقای دکتر ابوالقاسم رادفر کتابشناس و محقق دانشمند در کتاب تذکره‌های عرفانی مدخلی برای آشنایی بیشتر با این اثر آورده است. مدخل کتاب تذکره‌های عرفانی آقای دکتر رادفر حدود چهار صفحه از ۳۲۲-۳۲۵ را به تذکرة الابرار اختصاص داده است. به جز این منبع، نویسندگان این مقاله در حد بضاعت علمی خویش تا کنون در هیچ متن عرفانی، تاریخی و ادبی دیگر مطلبی در مورد این اثر نیافتند. مدخل تذکره‌نویسی فارسی در شبه‌قاره که در جلد چهارم دانشنامه ادب فارسی در شبه‌قاره و به سرپرستی حسن انوشه چاپ شده است، چهل تذکرة صوفیانه مشهور در قرن یازدهم را نام برده اما گویا اطلاعی از تذکرة الابرار نداشته و نامی از این کتاب نبرده است. با این حال نویسنده مدخل، اثری از عبدالغفور بن ضیاءالدین حیدراسدی به نام تذکرة مشایخ سیوستان (۱۰۳۹-۱۰۴۳) را معرفی کرده است (نک. ربیعان، ۱۳۸۰: ۷۴۶). تذکرة الابرار که در واقع نسب‌نامه سادات است برای بیشتر پژوهشگران ادب فارسی در هندوستان بزرگ ناشناخته است و از نظر اشتغال اثر در معرفی برخی از اقطاب صوفیه که سید هم هستند و نیز آشنایی بیشتر با عرفای دیگر از طریقت‌های مختلف، کتاب کم‌نظیری است. از سوی دیگر می‌توان این اثر را از تذکره‌های عصری و محلی به حساب آورد که حاوی اطلاعات تاریخی و اجتماعی ارزنده‌ای درباره اجتماعات، آداب و رسوم، ادبیات و فرهنگ، اوضاع



و احوال تاریخ سیاسی اجتماعی فرهنگی عصر خود است (فتوحی رودمعجنی، ۱۳۸۷: ۱۹۷). ناشناختگی این تذکره و اهمیت مطالب آن ایجاب می‌کرد که مقاله‌ای مفید در معرفی نسخه‌های خطی نوشته شود.

۱-۳- روش تحقیق

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، و با استفاده از اسناد چاپی کتابخانه‌ای، نسخه‌های خطی تذکره‌الابرار که تا حال ناشناس بوده‌اند را معرفی و بررسی کرده است و در نهایت با نتیجه‌گیری از تحلیل‌های متنی مخاطب را با این تذکره‌عرفانی-شجره‌نامه‌ای آشنا می‌کند.

۲- معرفی نسخه‌های خطی تذکره‌الابرار و مشخصات ظاهری آنها

۱-۲- نسخه محفوظ در کتابخانه ملی ملک تهران؛

نسخه خطی تذکره‌الابرار به شماره بازیابی ۳۴۷۷ محل نگهداری کتابخانه ملی ملک تهران، در قرن یازدهم هجری قمری و بین سال‌های هزار و سی و دو تا هزار و سی هفت پس از هجرت در شبه‌قاره هند نوشته شده است. مؤلف این نسخه به صراحت خویش را عبدالغفور بن ضیاءالدین حیدراسدی معرفی کرده است و از خاندان، تحصیلات، سفرها و دیدارهایش با مشایخ تصوّف به تفصیل سخن گفته است. دو طرف نسخه دارای جلد میشن قرمز و بدون نام و عنوان است. این تذکره صد و هشتاد و دو برگ پانزده سطری دارد و به خط نستعلیق خوانا و خوش نوشته شده است. جنس کاغذ کشمیری و به رنگ نخودی است. صفحه اول نسخه دارای سرلوح، کتیبه و تاج و تذهیب است و عنوان کتاب با رنگ قرمز درون شش ضلعی سرفصل نوشته شده است. در کتیبه مستطیلی ذیل آن عبارت بسم‌الله الرحمن الرحیم قرار دارد. نسخه خطی با مرکب مشکی نوشته شده است و از مرکب الوان (شنگرف) برای نوشتن سرفصل، وصل، عنوان تمهیدات و مقالات، ذکر نام دوازده امام علیهما السلام، نام مشایخ، و تذکره اعراس سادات استفاده شده است. نویسنده به ویژه در بخش اول کتاب تا صفحه سی و هشت از واژه «وصل» که سرخگون است به عنوان آغاز بند جدید استفاده کرده و هر کجا آن را به کار برده است یعنی بند پیشین پایان یافته و بند جدید شروع شده. وصل‌های قرمز رنگ برای جداساختن تعاریف اصطلاحاتی مانند ولایت (ص ۶)، ولی (ص ۱۰)، جذبه (ص ۱۸)، خادم چاکر (ص ۳۳)، و ... به کار رفته‌اند. اصطلاح «تذکره اعراس» یا همان تاریخ وفات اشخاص به این دلیل سرخ رنگ نوشته شده است که جداسازی تاریخ وفات سادات صوفی برای مؤلف اهمیت دارد. ابعاد نسخه طول ۲۳ و عرض ۱۴ سانتی‌متر است. همچنین رکابه‌نویسی شده است که از آن به جای شماره‌گذاری صفحات استفاده می‌کرده‌اند یعنی اولین کلمه صفحه بعد را در پاورقی صفحه قبل از آن می‌آوردند که کار صحاف را در جزوبندی نسخه بی‌نقص می‌ساخت و کاتب با این تمهید امانت‌داری را رعایت می‌کرد (کارگر و ساریخانی، ۱۳۹۰: ۱۷). جدول و حاشیه نیز در این تذکره به صورت ساده به کار رفته‌اند. جداول این نسخه خطی از یک رنگ لاجوردی بسیار ظریف در بیرون و دو رنگ ماشی درونی تشکیل شده‌اند؛ یکی ماشی باریک و دیگری ماشی عریض. به تصویر (۳) از پیوست دوم همین مقاله نگاه کنید. از ماشی باریک به جز جدول به عنوان حاشیه صفحات نیز استفاده کرده‌اند که در عرف نسخه‌شناسی به آن کمند می‌گویند. کمند خطوطی مستقیم را گویند که جز جانب عطف کتاب، از سه جانب دیگر جدول را محصور کند (مایل هروی، ۱۴۰۲: ۱۲۱). در صفحه پیش از آغاز نسخه عبارتی



ناخوانا وجود دارد که نوشته است: « هو الله سبحانه و تعالی، این کتاب را معتمدالسلطان محمدتقی خوان [عبارت به همراه تاریخ تقریباً ناخواناست]، حفظه الله تعالی ... حسین ...». در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) برای تذکره‌الابرار عنوان نسب‌نامه سادات بخارا نیز استفاده شده است، ولی این اصطلاح در جایی از متن وجود ندارد و احتمالاً باتوجه به موضوع نسخه می‌تواند برساخته معرقان آن باشد.

آغاز نسخه: « الحمد لله الذی رفع درجات اولیائه و آنسهم بمشاهده جمال کبریائه و الصلوة و السلام علی حبیبه سید الانام و علی آله الکرام و اوصیائه العظام. الذین تیصفون برضی الله عنهم و رضوا عنه و صلوات الله علیهم اجمعین الی یوم القیام.» (اسدی، ملک. بی تا: ۱).

پایان نسخه: «و شمایل النبی پیش حضرت میان سید محمد سلمه الله گذراند و اجازه هم فرمودند. و شیخ محمد چشتی خرقة خلافت چشتیه به این کمینه مرحمت نمودند و چنانچه از بزرگان که در قید حیاتند بهره‌ای گرفت از زیارت مزارات» (همان: ۳۶۳).

نسخه خطی کتابخانه ملک بدون ترقیمه تمام می‌شود، اما این اتفاق به معنای ناقص بودن یا افتادگی آن نیست، زیرا عبدالغفور اسدی به روش منطقی و با چارچوبی درست سیر زندگی خود و شرح ملاقات با عرفای دوره خویش تا سال هزار و سی و هفت هجری قمری را بیان کرده است. با توجه به غلط‌های فاحش املائی در ذکر اسامی اشخاص و شهرها اطمینان داریم که کاتب این نسخه خطی به احتمال زیاد یا در شبه‌قاره هند سکونت نداشته است و یا فردی کم‌تجربه و بی‌سواد بوده و شاید به همین جهت نامی از خود نیاورده و تاریخ کتابت را مرقوم نداشته است. یادآوری دیگر در خصوص اغلاط نوشتاری آن است که عده‌ای از کاتبان این دوره [نیمه قرن نهم تا پایان دوازدهم قمری] هرچند که هنر خوش-نویسی را ورزیده بودند، ولی از روح علمی عاری و از حلیه دانش نسخه‌شناسی عاقل بودند. ناخوانا نوشتن بعضی از کلمات و تحریف و تصحیف‌های گوناگونی که در پاره‌ای از نسخ این دوره مشهود است مؤید کم‌دانشی و ناتوانی علمی عده‌ای از کاتبان هنرمند، اما کم‌سواد دوره مورد بحث است (رک. مایل هروی، ۱۴۰۲: ۴۹).

۱-۲- ساختار و بخش‌های نسخه خطی کتابخانه ملی ملک؛

در پیشگفتار پس از بسم‌الله الرحمن الرحیم و تمهیدی‌ای مختصر به زبان عربی، مؤلف نام کامل خود و دلیل تصنیف تذکره‌الابرار را ذکر کرده است و علت اصلی تحریر متن را «نهایت غلامی و اعتقاد به حضرت عالیّه متعالیه تاج الاولیاء و العارفین... قطب الاقطاب الشیخ حاجی عبدالوهاب حسینی البخاری» بیان می‌کند و می‌نویسد: «به خاطر شکسته ریخت که احوال سلف و خلف ایشان را نگارد. از روح هدایت فتوح آن حضرت استعانت جست و در این امر شروع کرد و در ایجاز و اختصار و آیات حتی الامکان سعی نمود و این رساله را تذکره‌الابرار نام کرد و بنای آن بر مقدمه و سه مقاله و خاتمه نهاد» (اسدی، ملک. بی تا: ۳-۴).

الف) مقدمه مشتمل بر سه تمهید؛ اول در بیان ولایت و ولی و اصناف آن. تمهیدثانی در بیان جذبه، مجذوب، معرفت، عارف، تعرف، صوفی، تصوف، توحید، ملامت، فقر، عابد، زاهد و خادم. تمهید ثالث در بیان ثبوت کرامات مر اولیا را و



بیان خارق عادات و اقسام آن.

ب) مقاله اول در بیان آبای قطب الاقطاب حضرت حاجی عبدالوهاب و فرزندان ایشان که از نسل شیخ محمد مشایخند.

پ) مقاله ثانیه در ذکر مشایخ سلسله شریف ایشان و فرزندان آن جناب که از نسل شیخ مدرثند.

ت) مقاله ثالثه در ذکر سادات بخاری مشهور به ادلانی و سادات بهگری و رسولدار.

ث) خاتمه در برخی از احوال آبا و اجداد و اقربای کاتب حروف و مجملی از احوال شکسته مآل او (همان: ۴-۵).

حاجی عبدالوهاب حسینی (۸۶۹-۹۳۲ ه.ق) از عرفای بزرگ سلسله سهروردیه بود. عبدالغفوراسدی تذکره الابرار را به جهت تبرک به نام و ارادت به مقام عرفانی وی نوشته است و گرنه آن عارف عزیز بیش از شصت سال پیش از تولد نویسنده نسخه تذکره الابرار وفات یافته است. اسدی پس از فراغت از تالیف کتاب خویش، آن را تحفه کرده است و برای امیرالسادات سید محمد بهوه که از امرای بزرگ و مشهور زمان خویش بوده، اهدا نموده است. در این رساله نسبت خرقة حاجی عبدالوهاب حسینی مانند بیشتر سلاسل فقری به حضرت امام رضا (ع) منتهی می‌شود. حاجی عبدالوهاب بخاری، شاه عبدالله قرشی، شیخ یوسف، شیخ عمادالدین، شیخ رکن الدین، شیخ صدرالدین حاج، شیخ رکن الدین فیض-الله، شیخ صدرالدین عارف، شیخ بهاءالدین زکریای مولتانی، شیخ شهاب الدین عمرسهروردی، شیخ ضیاءالدین-ابونجیب، احمدغزالی، [ابوبکر نساج]، ابوالقاسم کرکانی، ابوعثمان مغربی، [ابوعلی کاتب]، ابوعلی رودباری، جنید بغدادی، سری سقطی، معروف کرخی، امام علی بن موسی الرضا (اسدی، ملک. بی تا: ۸۸-۸۹).

در این کرسی‌نامه هر چند مؤلف نام دو عارف مشهور یعنی ابوبکر نساج و ابوعلی کاتب را ذکر نکرده است، اما نام ابوعلی کاتب را در شمار بزرگان سلسله در صفحات صد و چهل و یک و صد و چهل و دوی کتاب خویش بیان کرده است. نام ابوبکر نساج اما در این کتاب که ممکن است خطای سهوی نویسنده باشد از قلم افتاده است و در صفحه صد و چهل و پنج نسخه، ابوالقاسم کرکانی را پیر و مراد احمدغزالی دانسته که البته نادرست است. سپس در همین کتاب از قول جامی در نفحات الانس نقل می‌کند که غزالی از اصحاب شیخ ابوبکر نساج شمرده شده است (نک. همان: ۱۴۵).

مصنّف آبای عبدالوهاب بخاری را به ترتیب ذکر کرده است و برای آغاز، سخن خود را با ذکر نام حضرت علی (ع) زینت بخشیده است، سپس نام دوازده امام را با آداب و احترام بیان کرده و پس از آن از جعفر بن علی النقی شروع نموده و فرزندان و نوادگان او را برشمرده است: اکبرعلی، عبدالله، احمد، محمد بن احمد بخاری، محمد بخاری، سید جعفر بخاری، سیدعلی بخاری، سید جلال اعظم بخاری، سید احمد کبیر، مخدوم جهانیان، سید راجو قتال، شیخ ناصرالدین محمد، قطب العالم، شاه عالم.

جلال اعظم بخاری، سید محمد غوث، سید ابوالکرم، سید محمد، سید عبدالوهاب، شیخ محمد، سید رفیع الدین، سید محمد، قطب الاقطاب شیخ حاجی عبدالوهاب بخاری (همان: ۳۷-۸۷).

نویسنده این تذکره با درنگ و دقت و تأمل و حساسیت خاصی شجره این سادات و همچنین تذکره اعراس آنها را بیان نموده است و در جای جای تذکره خویش بر این موضوع تأکید کرده. ذکر احوال ساداتی که در تذکره الابرار آمده،



طولانی‌تر از آن است که بتوان در این مقاله درباره‌اش سخن گفت.

۲-۲- نسخه خطی کتابخانه مرعشی قم؛

شماره نسخه ۹۷۶۵، خط نستعلیق هندی، بی‌کا، تاریخ: قرن ۱۳، جلد: مقوایی عطف تیماج قرمز، ۲۴۸ برگ، مختلف‌السطر، اندازه: ۲۲/۵×۱۳. عناوین و نشانی‌ها شنگرف، در حاشیه تصحیح شده است. عنوان نسخه با نسخه‌های دیگر متفاوت است. یکبار به شنگرف و دیگر بار با مرکب مشکی نوشته شده و هر دو عنوان نیز با هم تفاوت دارند اما به نظر می‌رسد عنوان مشکی عنوان تفصیلی و دقیق کتاب باشد.

	عنوان نخست به رنگ شنگرف
	عنوان تفصیلی به رنگ مشکی

آغاز: بسم‌الله الرحمن الرحیم. الحمدلله الذی رفع درجات اولیائه و آنسهم [افتادگی دارد] جمال کبریائه والصلوة و السلام علی حبیبه سید [افتادگی دارد] و آله الکرام...

انجام: و شیخ محمد چشتی خرقه خلافت چشتیه به این کمینه مرحمت نمودند و چنانچه از بزرگانی که در قید حیاتند بهره گرفت از زیارات مزارات.

آغاز و انجام این نسخه با نسخه کتابخانه ملک یکسان است ولی نسخه مرعشی در برخی صفحات از جمله صفحه یک در انتهای سطور افتادگی دارد. همچنین تعداد سطرهای این نسخه یکدست نیست و در بعضی صفحات به خط درشت و در پنج خط نوشته شده است.

مؤلف: عبدالغفورین ضیاءالدین حیدر اسدی. (نک. تصاویر ۴-۵ در پیوست (۳)).

۲-۳- نسخه خطی کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد؛

خط: نستعلیق، بی‌کا، تاریخ: قرن ۱۳؛ کاغذ نخودی، جلد مقوا، ۱۳۶ برگ، ۱۸ سطر، اندازه: ۲۰/۵×۱۳، عطف میشن زرشکی، رویه و گوشه گالینگور. این نسخه در سال ۱۳۷۳ از سوی رهبری به کتابخانه اهدا شده است. بدون حاشیه و جدول، دارای رکابه. فهرست عنوان دارد. در این نسخه عناوین اشخاص معرفی شده و برخی از علائم جداکننده مصراع‌های شعر به رنگ سرخ نوشته شده اند.

عنوان اثر: تذکره ابرار. مؤلف: محمدبن جلال ماه بخاری. در نسخه مورد بحث اسم نویسنده به این شکل ذکر



شده است: سید محمد بن سید جلال ماه عالم بن سید حسین مشهور به سید خان بن عبدالغفور بن سید احمد بن سید راجو بن حضرت شاهیه ابوالبرکات سید محمد اکبر شاه عالم. در صفحه بعدی نسخه شجره نامه ای از خانواده ماه عالم ترسیم کرده اند که در بخش مؤلف تذکره الابرار بدان خواهیم پرداخت.

آغاز: الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی نبینا خیر المرسلین و علی آله و اولاد المعصومین و اصحابه المرضیین اهل بینه الطاهرین. اما بعد آنکه آفتاب سپهر اصطفی در وقت غروب ... (نسخه آستان قدس، بی تا: ۲).

انجام: مناجات؛

خدوندا به حق اهل بینش	به حق سروران آفرینش
به حق اولیای دین و ملت	به حق اصفیای پاک فطرت
به حق رهنمایان طریقت	به حق تاجداران حقیقت
به حق عاشقان جان فشانت	به حق طالبان بی نشانت
به حق ناله های دردمندان	به حق گریه های مستمندان
به حق تارکان ماسوایت	به حق جان سپاران هوایت
که با یاد خودم دلبستگی ده	ز قید ماسوا وارستگی ده

[نام عبدالغفور مخدوش و خط خورده است] تمت، تمام شد کتاب تذکره الابرار. (جلال ماه بخاری، بی تا: ۱۳). به پیوست (۴) تصاویر ۶-۷ در این مقاله رجوع کنید.

جدول (۱) نمونه یک مناجات منظوم در سه نسخه اصلی:

نسخه ملک (نستعلیق خوش)	نسخه مرعشی (نستعلیق هندی)	نسخه آستان قدس (نستعلیق)

**۴-۲- نسخه خطی کتابخانه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی قم (مرکز احیاء):**

این نسخه با شماره ۱۱۱۴-۱۱۱۵ به صورت عکسی در مرکز احیاء قرار داشته است و امروزه در آرشیو نسخ پژوهشکده باقرالعلوم قم نگهداری می‌شود. نسخه اصل: کتابخانه ناصریه لکهنوی هند، خط نستعلیق خوب، بی‌کا، بی‌تا، جلد گالینگور آبی، ۳۰۵ برگ (۱۵۰+۱۵۵)، ۱۷ سطر، اندازه: ۲۸×۲۰، تاریخ تألیف: پیرامون ۱۰۳۲ قمری. نسخه در دو بخش صحافی و تجلید شده و از کتابخانه ناصریه لکهنو توسط آقای حاج محمد کلاهی اهدا شده است. مؤلف: محمدبن جلال‌ماه‌عالم بخاری. نام کتاب: تذکره الابرار (نسب‌نامه سادات بخاری). آغاز و انجام این نسخه خطی بدون کمترین تفاوت با نسخه آستان قدس رضوی برابر است. پس از مقایسه دو نسخه مشخص شد که هر دو یکسانند و تعداد صفحات بیشتر این نسخه به خاطر برگه‌های آغازین آن است که مطلب مهمی در آن وجود ندارد. به پیوست (۵) تصویرهای ۸-۹ در انتهای مقاله نگاه کنید.

۵-۲- نسخه خطی مرکز فرهنگی خراسان، تهران؛

این نسخه به شماره ۱۰ عکسی در مرکز فرهنگی خراسان واقع در محله دربند تهران و در تملک خانواده شیخ عزیزالله عطاردی قوچانی قرار دارد. خط نستعلیق خوش، بی‌کا، بی‌تا، ۱۸۲ برگ، دارای سرلوح، مذهب، مطلقاً، مجدول. عناوین، اسامی اشخاص، و تذکره اعراس به رنگ شنگرف. این نسخه اساساً تفاوتی با نسخه کتابخانه ملی ملک ندارد و به نظر می‌رسد چاپ عکسی همان نسخه باشد.

مؤلف: عبدالغفورین ضیاءالدین حیدر اسدی. نام کتاب: تذکره الابرار.

آغاز و انجام این نسخه عکسی با آغاز و انجام نسخه کتابخانه ملک تهران برابر است.

۶-۲- نسخه‌های خطی ناموجود**۱-۶-۲- نسخه خطی کتابخانه ناصریه لکهنو هند؛**

نسخه حاضر با شماره بازبایی ۱۷ تذکره صوفیه و اولیای ۳/ ردیف ۳۵ در کتابخانه ناصریه لکهنو نگهداری می‌شود. خط نستعلیق، وضعیت استنساخ حدود ۱۲۰۰ هجری قمری، ۲۷۲ صفحه، ۱۶ سطر، اندازه: ۱۴×۲۱، دارای فهرست عنوان، فاقد سرلوح و جدول و تحریر، اسامی صوفیه و سادات و جداکننده مصراع‌های شعر شنگرف. مؤلف: محمدبن جلال‌ماه‌عالم. نام کتاب: تذکره الابرار.

۲-۶-۲- نسخه خطی کتابخانه اصغر مهدوی تهران؛

شماره بازبایی ۱۲۸، خط نسخ، قرن ۱۳ (درایتی، ۱۳۹۱، ج ۷، ص ۷۹۱). در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران به جز این توضیح کوتاه هیچ مطلبی راجع به نسخه کتابخانه مهدوی وجود ندارد و اکنون ما نمی‌دانیم این نسخه چند صفحه و سطر دارد و آیا آرایه‌ای برای زیباسازی در آن به کار رفته است یا خیر. در فهرست فنخا نیز برای معرفی این نسخه از نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به عنوان منبع سود برده‌اند.



مؤلف: عبدالغفور بن حیدر اسدی. **عنوان اثر:** تذکره الابرار.

نویسنده مسؤول برای تهیه نسخه خطی فوق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران رجوع کرد اما تنها بخشی از نسخه‌های خطی کتابخانه اصغر مهدوی در آنجا موجود بود و با وجود تلاش‌های مستمر سرکار خانم حرّی برای برقراری تماس با آقای اشک شیرین که زمانی در کنار مرحوم مهدوی به فهرست‌برداری آثار او مشغول بود، نتیجه‌ای حاصل نشد و اکنون مشخص نیست این نسخه در کجاست. «مهدوی در نشان دادن نسخه‌های خود و دادن عکس از آنها هیچ گونه گرفت و گیری نداشت. مرد بخل و ضنّت علمی نبود. از نشر شدن و پخش شدن نسخه‌ها شاد می‌شد. به مانند دیگر نسخه‌داران در مخیله‌اش نمی‌گنجید که با چاپ شدن آنها نسخه از ارزش بازاری می‌افتد. او چون از رسته عالمان بود نشر وسایلی را که موجب گسترش علمی می‌شد واجب می‌دانست» (افشار، ۱۳۸۳: ۵). افسوس که پس از آن بزرگمرد تعدادی از نسخه‌های خطی ایشان از جمله نسخه ۱۲۸ تذکره الابرار نایاب شده است.

۳- مؤلف تذکره الابرار

دانش نسخه‌شناسی به مسائل جزئی، دقیق و تعیین‌کننده در تصحیح متون توجه خاصی دارد که یکی از آنها فامیل‌شناسی (تبارشناسی) چندنسخه از یک اثر است. «منظور از فامیل‌شناسی نسخ طبقه‌بندی نسخه‌های یک اثر براساس تبار آنهاست. مصحح باید پس از بررسی تمام نسخه‌های مورد استفاده خود، با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در نسخ، مشخص کند که آیا هرکدام از نسخه‌های موجود از روی یک نسخه مستقل دیگر کتابت شده است یا اینکه برخی نسخه‌ها مادر نسخه مشترک دارند. این بررسی که در نهایت منجر به طبقه‌بندی نسخه‌ها خواهد شد در کیفیت تصحیح و شناخت ارزش ضبط‌های نسخ بسیار تأثیرگذار خواهد بود» (مجرد، ۱۳۹۹: ۱۷۴).

آنچه در بررسی این اثر بدان رسیده‌ایم وجود نام دو مؤلف متفاوت در تصنیف کتاب است. از مجموع هفت نسخه معرفی شده، نسخه‌های کتابخانه ملک، مرعشی، مهدوی و مرکز فرهنگی خراسان که از یک تبار هستند نام عبدالغفور بن ضیاء‌الدین حیدر اسدی را به عنوان نویسنده تذکره در خود دارند و اسم وی برای مثال در نسخه ملک در صفحه یک ذکر شده است و پس از آن در چند صفحه مانند: ۲۷۶-۳۳۵-۳۴۵-۳۵۳-۳۵۴-۳۵۸-۳۵۹ و... نویسنده خود را با القاب کاتب حروف، این حقیر، این کمینه و این احقر نام برده است.

در سه نسخه دیگر یعنی نسخ آستان قدس، کتابخانه ناصریه لکهنو و پژوهشکده باقرالعلوم (ع) قم که حجم مطالب و تبویب و ترتیب آنها تقریباً یکسان است، شخصی به اسم محمد بن جلال ماه بخاری را مصنف تذکره الابرار نامیده‌اند که پس از تفحص نویسندگان مقاله مشخص شد وی نویسنده تذکره الابرار نیست.

دو مسأله بغرنج که در خوانش تذکره الابرار با آن مواجه هستیم یکی فقدان انجامه و به تبع آن عدم ذکر تاریخ نگارش نسخه‌هاست؛ و دیگری وجود دو مؤلف که البته پس از مذاقه در نسخه آستان قدس رضوی مطمئن هستیم که محمد بن جلال ماه عالم نویسنده این تذکره نیست. کسی که او را به عنوان نویسنده تذکره الابرار معرفی کرده است از برگه ۲۸ نسخه رضوی غفلت ورزیده و اکنون دلیل این انتساب نادرست را با توجه به همین صفحه که ذکر کردیم می‌نویسیم. «بعد



از ماه عالم جامع کمالات شریعت و طریقت و مفتوح ابواب معرفت و حقیقت سلطان السالکین برهان العارفین مخدوم عالم قطب جهان امام‌الوقت و شیخ‌السند سید محمد، بیت: محمد اسم و آیات محمد درو واضح چو میم اندرز احمد ادام‌الله جلاله، و ایشان در حال حیات خود سجاده را به مجموعه دانش و بینش چراغ خاندان شمع دودمان خلف‌الصدق سیدجلال جل‌قدره مرحمت فرمودند. این حقیر به دولت پابوس آن حضرت مشرف شد و کتاب شمایل‌النبی قرار نموده از حضرت مذاکره آن دم و اجازت بعضی اسما و جامه و بدن مبارک تبرک یافته الحمدلله ذلک. تذکره‌اعراس این کرام از کتاب لطایف‌شاهی که از مؤلفات خاصه آن حضرت است منقول می‌گردد» (نسخه‌رضوی، بی‌تا: برگ ۲۸). ازین پس در بحث از نسخه‌های تذکره‌الابرار سه نسخه در محور بررسی قرار می‌گیرند. یکی نسخه کتابخانه ملک تهران که به دلیل خط خوش و خوانا و مضبوط بودنش و همچنین مزین بودن کتاب به آرایه‌های زیباکننده آن بر نسخه عکسی مرکز فرهنگی خراسان که چاپ عکسی همین نسخه است برتری دارد. دوم نسخه کتابخانه مرعشی که به دلیل وجود خط نستعلیق هندی و مشخصات کاغذ و هم‌تباری با نسخه ملک در یک کفه ترازو قرار دارد. نسخه آستان قدس سومین نسخه است که از نظر حجم مطالب و نویسنده آن به نوعی در تقابل با دو نسخه ملک و مرعشی قرار دارد و چون از نسخه‌های اهدایی رهبر است با نسخه کتابخانه‌ناصریه هند و نمونه عکسی آن که در پژوهشکده باقرالعلوم قم نگهداری می‌شود از یک سنخ محسوب می‌شود.

۱-۳- شرح زندگانی مؤلف تذکره‌الابرار در نسخه ملک تهران؛

عبدالغفوراسدی مصنف تذکره‌الابرار مطابق خودزندگینامه‌ای که نوشته است دارای پنج برادر و پنج خواهر بوده. عبدالغفوربن ضیاء‌الدین حیدراسدی در ماه رمضان سال نهصد و نود و دو هجری قمری در آگره متولد شده است. در نه سالگی قرآن را ختم نموده و گلستان و بوستان را نزد مولانا حسن علی آموخته است و در همان ایام با چندتن از مشایخ همراه گشته و آنان دعای نیک در حق او کرده‌اند. در چهارده‌سالگی رسایل صرف را در پیش قاضی عیسی و ملاعلی خوانده و به دهلی رفته و چندنفر از مشایخ قریبی را ملاقات کرده است. در سال هزار و هفت‌هنگامی که اکبرشاه به آگره آمده، اسدی نیز به ملازمت مرتضی‌خان و سید بهوه رسیده است و پس از آن به دلایل مختلفی به شهرهایی چون دهلی، برهانپور، و لاهور رفته و به آگره بازگشته و با شیوخی چون خواجه محمدباقی نقشبندی و میرعبدالله‌احراری دیدار داشته است. در همان دوران علما و فضایی مانند ملا مظهری، ملا فطرتی و دیگران را دیده و در سال هزار و دوازده ازدواج کرده. او در سال هزار و چهارده به برهانپور رفت و از آنجا راهی عربستان شد و از محضر عرفایی نظیر شیخ علی شاذلی، عبدالرحمن عیدروسی و دیگران استفاده کرد و سپس به زیارت مقبره حضرت محمد(ص) به مدینه رفت. در مکه مشکوات را پیش ملا محمدافغان، بیضاوی را نزد ملا نصرالله‌شیرازی، هدایه را در پیش ملا قاسم بخاری، تفسیر مدارک را در نزد شیخ محمد اسود، و رساله مناسک شیخ رحمت‌الله بسندی را در حضور شیخ عبدالعزیز، پاره‌ای از تصوف پیش شیخ نظام تهانیسری، تجوید و شاطی را زیر نظر شیخ ابوالحسن قاری خواند و دوباره با عرفایی بزرگ دیدار کرد. چهار بار حج کرد و پنج سال مقیم مکه بود. در سال هزار و پانزده هجری قمری در سلک مریدان سید محمد قادری



شامی درآمد. در سال هزار و نوزده به هند بازگشت و در سال هزار و بیست و یک از مشایخی نظیر شیخ احمد سرهندی، شیخ کمال مندوی، شیخ محمود چشتی و شیخ عبدالحق محدث دهلوی بهره گرفت و حضرت شیخ عبدالله بهتته خرقه‌- خلافت به او مرحمت نمود. در سال هزار و بیست و سه که سیدمحمد بهوه حاکم دهلی شد اسدی به اجمیر رفت و مزار خواجه معین‌الدین چشتی را زیارت کرد. در هزار و بیست و هفت هجری قمری به خاطر سابقه اخلاص و اعتقاد به سید بهوه به آگره رفت و در کنف حمایت او قرار گرفت. در سال هزار و سی و دو از اجمیر به گجرات روانه گشت و با بزرگان صوفی مثل شیخ محمد چشتی، شیخ سوسن مجذوب، شریف عبدالقادر عیدروسی محشور شد و خرقه خلافت چشتیه از شیخ محمد چشتی دریافت کرد (اسدی، ملک. بی تا: ۳۵۳-۳۶۳). در باب مذهب و آیین عبدالغفوراسدی باید بگویم که علی‌رغم آنکه وی دوست‌دار سادات و صوفیه است اما سنی و متابع فقه شافعی است و این نکته را از کتاب‌هایی که در دوران تحصیل خوانده می‌توان دریافت. عبدالغفوراسدی چون از کودکی در شهرهای مختلف هند از جمله آگره و غیره زندگانی کرده است و نزد دانشمندان و صوفیان متعددی مدارج تحصیلی و علوم عقلی و رموز باطنی و قلبی را آموخته بوده، با منابع پیش از خود آشنایی کامل داشته و از آنها استناد جسته است اما تاثیر دیگران بر وی باعث تقلید ناشیانه او از آنها نشده و کتاب وی استقلال متنی و مفهومی دارد و دارای چارچوب منظمی است. درباره عبدالغفور اسدی بیش از این چیزی نمی‌دانیم جز اینکه او با سیدمحمد بهوه از حکام گورکانی دهلی حشر و نشر داشته است و آخرین تاریخی که در کتاب خود به آن اشاره کرده سال هزار و سی و هفت است که او در آن سنه چهل و پنج ساله بوده و دوره میانسالی خویش را سپری می‌کرده است. اسدی در چند جای کتاب، خود را این حقیر، و کاتب حروف نامیده است و تذکره‌الابرار را به سید محمد بهوه تقدیم نموده و توقع داشته که «منظور نظر عاطفت اثر آن مهر سپهر مکرمت گردد و انوار عواطف و احسان بر احوال موفورالاختلاف مؤلف تابد» (همان: ۶).

در خلال مطالبی که او در تذکره خویش ضبط کرده است می‌توان به قرابت وی با شیخ سلیم نیز پی برد. «بی‌بی- صلاح خاتون والده حضرت شیخ سلیم ابن سیداحمداند. والده ایشان بنت ضیاءالدین ابواحمد حیدرالاسدی است» (همان: ۲۰۸). همچنین او در همین نسخه خود را با حاجی محمد کشمیری قوم و خویش می‌داند اما به نوع قرابت خود اشاره‌ای نکرده است. «و بنا بر آنکه کاتب حروف را نسبت قرابتی به جناب اوست مبادا ساده لوحی از عالم خودستائی داند به رشحی ازدیاد اکتفا نموده آمد» (همان: ۲۷۱).

در مورد عبدالغفور اسدی اطلاعات دیگری به دست نیاوردیم و نمی‌دانیم آیا او تألیفاتی دیگر داشته است یا خیر! لیکن در کتاب تذکره‌های عرفانی، «تذکره مشایخ سیوستان» به عبدالغفور حیدر نامی منسوب شده است که رساله‌ای کوتاه در زندگینامه چهارده‌تن از صوفیان مدفون در خاک سیهون است. عبدالغفور فرزند حیدر پژوهشگر سندی دوره شاهجهان [که به نظر می‌رسد همین عبدالغفوراسدی مؤلف تذکره‌الابرار باشد] این رساله را در بیست و یک صفحه و در پاسخ به دین‌دارخان، حاکم سیوستان که شرح حال مشایخ منطقه را از او پرسیده بود میان سال‌های ۱۰۳۹-۱۰۴۳ هجری قمری نوشته است (رادفر، ۱۳۸۶: ۴۳).



۵- چگونگی نوشتار کلمات و منابع نویسنده.

۱-۵- رسم الخط نسخه تذکرة الابرار کتابخانه ملک؛

۱. کاربرد واج «ب» و «پ» به هر دو شکل، برکنه (۲۳۲)، پرکنه (۲۳۳). و استفاده از واژه بلنگ به جای پلنگ (۱۶۳).
بتن به جای پتن (۷۵). برهانپور به جای برهانپور (۸۰). بایان به جای پایان (۱۰۶).
۲. استفاده از واژه تعیین به جای تعیین؛ «به قلعه کانگره تعیین گشته» (۲۳۱). تغییر به جای تغییر (۱۶۰).
۳. نشانه ص به جای (ص)؛ «در محبت خاندان خاتم النبیین ص از پادشاهان ربع مسکون گوی ر بوده است» (۲۴۸).
۴. کاربرد پرتکرار واژه های به هم چسبیده؛ بازدیاد به جای به ازدیاد (۲۳۷)، بامروی به جای به امر وی (۲۴۱). اینش به جای آینه اش (۲۶۵).
۵. غلط های املائی؛ بودی به جای لودی در نام سلطان سکندر لودی (۲۵۴). مولانا خواجگی امکیکی به جای امکنگی (۲۶۴). شیخ امان پانی تیهی به جای پانی پتی (۲۷۳). برخواست به جای برخاست «آثار حیات در وی پدید آمد و تندرست برخواست و نشست» (۳۲۷). انشالله به جای ان شاء الله (۱۶۰).
۶. استفاده از صفت های مفعولی؛ بوده- داشته- گردانیده- نداشته (۲۵۵-۲۵۶).
۷. مشکل نقطه گذاری کلمات و تصحیف؛ تاپیدا به جای ناپیدا (۲۶۱). دوشت داشتی به جای دوست داشتی (۲۶۴). در شکلی دیگر کلمه گفته را به صورتی نوشته که هر سه نقطه بر روی واج «ف» قرار دارند (۲۷۱). کلمه اکثری را بدون هیچ نقطه ای ضبط کرده است (۲۹۴).
۸. نوشتن بیوگان به صورتی که نقطه ها همه در زیر «ی» جمع شده اند (۲۶۷). نقطه های تدبیر همه در زیر «ی» آمده اند. (۳۰۷).
۹. کاربرد اسامی دگرسان؛ بشاور به جای پیشاور (۲۸۴).
۱۰. چسبیدن واج ها به یکدیگر و نیز کاربرد «گ» به صورت «ک»؛ بکلزارارم؛ به گلزار ارم (۳۰۱). بایلچیکری؛ به ایلچی گری (۳۲۰). بارامگاه؛ به آرامگاه (۱۷۷). بهرشق؛ به هر شق (۱۹۵).
۱۱. استفاده از «ء» به جای «ی» نشانه اضافه؛ علماء به جای علمای «علماء اقصی و ادانی» (۳۲۷). دنیا به جای دنیای (۱۷۷).
۱۲. مُغل به جای مغول (۱۷۵).
۱۳. ساختن مصادری چون رفاهیت (۱۷۵). خیریت (۱۱۹). طفولیت (۴۶). کُنیت (۴۷). جسامت (۱۱۶). «بشاشت» (۲۱۰).
۱۴. مائل و مایل را به هر دو صورت آورده است (۱۸۴). قایم مقام به جای قائم مقام (۱۱۰).
۱۵. اساتده به جای استادان (۱۹۷)، عُصات به جای عاصیان (۱۹۸) مُرویست به جای روایت شده (۷).
۱۶. کاربرد واج «ک» به جای «گ»؛ شگرف؛ شگرف (۱). کشته؛ گشته (۱). میگذارم؛ میگذارم (۲). نگارد؛ نگارد (۴). گاهی؛ گاهی (۷).



۱۷. نداشتن مدّ «آ»؛ انحضرت (۴). ان (۴). اخرت (۱۱۰).
۱۸. جدانوشتن حرف «ن»؛ نه بخشند (۵). نه بندد (۸). نه پردازند (۸).
۱۹. استفاده از همزه «ء» به جای «ای»؛ پاره به جای پاره‌ای «پاره از مناقب ایشان بقدر دریافت خویش بتحریر درآورد» (۵). بکوشه به جای به گوشه‌ای «خود را بکوشه کشید» (۱۱۸).
۲۰. کاربرد «ی» به جای «یی»؛ مقتدای به جای مقتدایی «چون مقتدای ازین عالم انتقال میکند» (۷).
۲۱. کاربرد «ت» در بعضی واژه‌ها به صورت «ة»؛ شده به جای شدت (۱۴).
۲۲. کاربرد واج «ج» به جای «چ»؛ جوبین به جای چوبین (۶۰). در کاربردی نادر واج «چ» به جای «ج» آمده است، جهان پیما به جای جهان پیما (۲۹۰).
۲۳. ادغام واج «ه» با صامت «ه» که پس از آن می‌آید؛ قبالها به جای قباله‌ها (۱۳۱).
۲۴. کاربرد مصدر لازم تملّقان به جای متملّقان (۲۰۱).
۲۵. حذف‌های بیان حرکت از پایان کلمه؛ بلک به جای بلکه (۲۰۱).
۲۶. کاربرد واژه عربی اکثر با یای فارسی به معنای بیشتر؛ «چون اکثری از پدران ما در این سال از عالم رفته‌اند» (۲۷۱).
۲۷. کاربرد واو عطف در نقش ویرگول؛ «ومقرر و متحقق گشته که ارادت و اخلاص و محبت و اختصاص به احفاد رسول و اولاد بتول...» (۲-۱).
۲۸. کاربرد یگبارگی به جای یکباره؛ «تا سالک، بادیه وجود را به قدم صدق یکبارگی وطع نکنند...» (۸).
۲۹. اشتباهات تاریخی فاحش؛ مثلاً سال تولد امام رضا (ع) را صد و پنجاه و سه هجری نوشته که نادرست است (نک. صفحه ۵۱). اشتباه تاریخی دیگر تشرف سیدجلال اعظم بخاری به محضر بهاءالدین زکریای مولتانی که اسدی این اتفاق را سال سیصد و سی و پنج نوشته است در حالی که این اتفاق در قرن هفتم روی داده است (رک. همان: ۶۰).
۳۰. اشتباه سهوی از سوی کاتب در تکرار یک واژه؛ «در سال هفتصد و بیست و هفت سال به رحمت حق پیوسته» (۲۳۹). (۲۴۲).
۳۱. استفاده از جملات معترضه عربی؛ «و روضه حضرت سید راجو نورالله مضجعه نهادند» (۶۲).

نتیجه‌گیری

تذکره الابرار شجره‌نامه منشور عرفانی درباره سادات بخارا است که در شبه قاره هند ساکن بوده‌اند. نسخه‌های خطی این اثر به ترتیب اهمیت عبارتند از نسخه کتابخانه ملک تهران که به دلیل خط خوانا، رعایت جدول‌بندی، و تا حدودی مضبوط بودنش نسخه اساس قرار می‌گیرد. دوم نسخه خطی کتابخانه مرعشی قم که با وجود افتادگی بعضی کلمات به دلیل هم‌سنخی با نسخه ملک به عنوان نسخه بدل استفاده می‌گردد. سوم نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی که با نمونه دیگر آن در کتابخانه ناصریه لکهنو برابری می‌کند و در ضبط اسامی صحیح بعضی از اعلام و اشخاص که در نسخه



ملک بر اثر اشتباه کاتب به نادرست نوشته شده‌اند سودمند است. هرچند در نسخه آستان قدس مؤلف این تذکره نامی متفاوت با نویسنده نسخه ملک و مرعشی دارد اما براساس تفحص انجام گرفته در نسخه رضوی با اطمینان می‌توان گفت نویسنده تذکره الابرار عبدالغفور بن ضیاءالدین حیدراسدی است. و کسی که به غلط در نسخه آستان قدس نویسنده دانسته شده است نمی‌توانسته به محضر خویش مشرف شود و از شخص خودش اجازه روایت حدیث بگیرد. همچنین هیچ صوفی وارسته‌ای جهت یادکرد خود از عبارات و توصیفات دنباله‌دار و گاه متملقانه استفاده نمی‌کند. در سطح اندیشه عرفانی نیز کرامت مشایخ، معرفت و مسأله ولایت و ولی که به جانشینی و خرقه‌پوشی صوفیان هم مرتبط است بسامد بیشتری دارند. از نظر فکری مسائلی مختلف نظیر تفسیر ذوقی قرآن و تأویل آیات و احادیث، ارادت زائدالوصف به امیرالمؤمنین، سخنان پندآموز عارفانه، طریقت‌های صوفیانه، رفتار، حرکات و سکنت سادات صوفی، نقش اجتماعی و مشاغل آنان در حکومت و تأثیر آنها در گسترش آیین اسلام در سرزمین هند نیز قابل توجه است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان این مقاله از زحمات و کوشش‌های سردبیر محترم و اعضای هیئت تحریریه نشریه علمی پژوهش‌های نسخه‌شناسی و تصحیح متون برای چاپ مقالات علمی پژوهشی، کمال تشکر و قدردانی را دارند.

عدم تعارض منافع

نویسندگانی که نام‌هایشان ذکر شده است تأیید می‌کنند که هیچ وابستگی یا مشارکتی با هیچ سازمان یا نهادی که منافع مالی (مانند حق الزحمه؛ کمک‌های آموزشی؛ شرکت در سخنرانی‌ها؛ عضویت، استخدام، مشاوره، مالکیت سهام یا سایر منافع مالی؛ و شهادت کارشناسی یا ترتیبات مجوز اختراعات) یا منافع غیرمالی (مانند روابط شخصی یا حرفه‌ای، وابستگی‌ها، دانش یا باورها) در موضوع یا مواد مورد بحث در این دست‌نوشته ندارند.



منابع و مأخذ

- آریا، غلامعلی. (۱۳۶۵). *طریقه چشتیه در هند و پاکستان*. تهران: زوار.
- اسدی، عبدالغفور بن ضیاءالدین حیدر. (بی‌تا). *تذکره الابرار*. نسخه خطی. شماره ۳۴۷۷. تهران: کتابخانه ملی ملک.
- _____ . (بی‌تا). *تذکره الابرار*. نسخه خطی. شماره ۹۷۶۵. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- _____ . (بی‌تا). *تذکره الابرار*. نسخه خطی - عکسی. شماره ۱۰. تهران: مرکز فرهنگی خراسان.
- افشار، ایرج. (۱۳۸۳). «*دکتر اصغر مهدوی و نسخه‌های خطی*». ضمیمه نامه بهارستان. شماره ۹-۱۰. بهار و زمستان ۸۳. صص ۳-۸.
- پورجوادی، نصرالله. (۱۳۸۹). «*جمالی دهلوی*». *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*. ج ۱۸. تهران: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. صص ۴۳۸-۴۴۰.
- درایتی، مصطفی. (۱۳۹۱). *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)*. ج ۷. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. جلد ۳ و ۵. چ ۲. تهران: دانشگاه تهران.
- رادفر، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). *تذکره‌های عرفانی*. جیرفت: دانشگاه آزاد اسلامی جیرفت.
- ربیعیان، محمدرضا. (۱۳۸۰). «*تذکره نویسی فارسی در شبه‌قاره*». *دانشنامه ادب فارسی در شبه‌قاره به سرپرستی حسن انوشه*. ج ۴. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. صص ۷۴۶-۷۴۷.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۹). *دنباله جستجو در تصوف ایران*. چ هشتم. تهران: امیرکبیر.
- زهرا میرزا، فائزه. (۱۳۸۸). «*سهم تذکره‌نویسان سند در ترویج زبان و ادب فارسی*». *فصلنامه مطالعات شبه قاره*. سال ۱. شماره ۱. زمستان ۱۳۸۸. صص ۱۳۵-۱۵۸.
- سامانی، سیدمحمود؛ منتظرالقائم، اصغر. (۱۳۹۰). «*دانش نسب‌شناسی با تکیه بر نقش شیعیان امامی*». *فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*. سال ۱. شماره ۳. تابستان ۱۳۹۰. صص ۳۷-۶۶.
- صافی، قاسم. (۱۳۸۷). *بهار ادب (تاریخ مختصر زبان و ادبیات فارسی در شبه‌قاره هند و پاکستان)*. چ ۲. تهران: دانشگاه تهران.
- عنایت خان، میرزا محمد طاهر آشنا. (۱۳۸۸). *ملخص شاهجهان نامه*. مقدمه و تصحیح و تحشیه دکتر جمیل الرحمن. دهلی نو: مرکز تحقیقات فارسی رازینی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران.
- فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۸۷). *نظریه تاریخ ادبیات*. تهران: سخن.
- قمر مهدی، سیدمحمود. (۱۳۸۹). «*حمید قلندر*». *دانشنامه جهان اسلام*. ج ۱۴. تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی. صص ۲۳۱-۲۳۲.
- کارگر، محمدرضا؛ ساریخانی، مجید. (۱۳۹۰). *کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی ایران*. تهران: انتشارات سمت با همکاری موزه ملی ایران.
- کنبو، محمد صالح. (۱۹۶۷). *عمل صالح (شاهجهان نامه)*. ج اول. ترتیب و تحشیه غلام یزدانی. تصحیح وحید قریشی. لاهور: مجلس ترقی ادب.
- لعلی بدخشی، میرزا لعل بیگ. (۱۳۷۶). *ثمرات القدس من شجرات الانس*. مقدمه تصحیح و تعلیقات سید کمال حاج سید جوادی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.



- ماه عالم، محمدبن جلال.(بی تا). تذکره الابرار. نسخه خطی. شماره ۲۱۹۳۵. مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.
- ____.(بی تا). تذکره الابرار. نسخه خطی - عکسی. شماره ۱۱۱۴-۱۱۱۵. قم: پژوهشکده باقرالعلوم (ع).
- مایل هروی، نجیب.(۱۴۰۲). نقد و تصحیح متون. هرات: بنیاد فرهنگی مایل هروی.
- مجرد، مجتبی.(۱۳۹۹). سنت تصحیح متون در ایران پس از اسلام. چ دوم. تهران: هرمس.
- محدث دهلوی، عبدالحق.(۱۳۸۳). اخبارالاخیار فی اسرارالابرار. تصحیح و توضیح علیم اشرف خان. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.



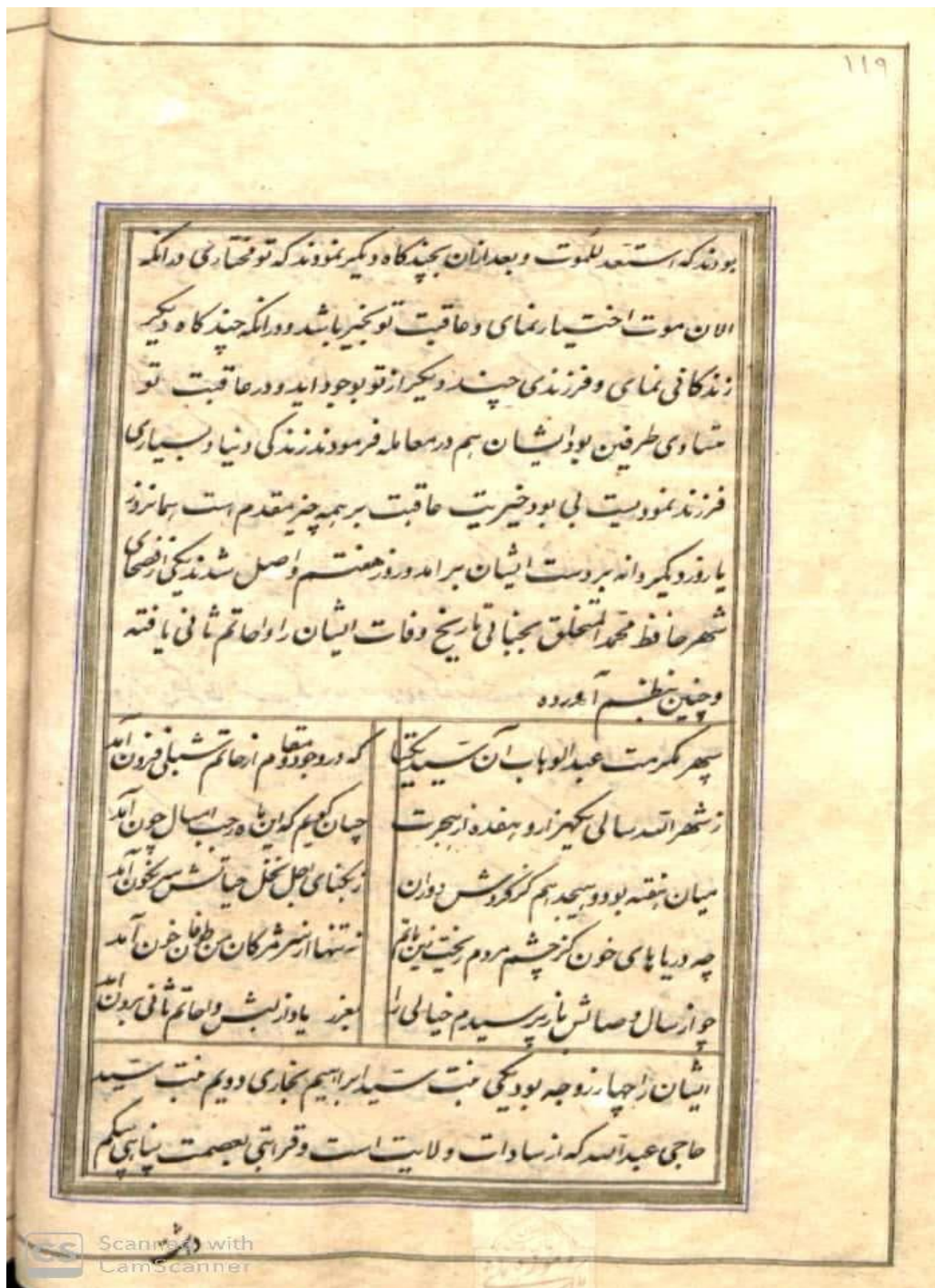
پیوست‌ها: تصاویر نسخه‌های خطی



تصویر شماره (۱) برگه آغازین نسخه خطی تذکرة الابرار کتابخانه ملی ملک.



تصویر شماره (۲) صفحات پایانی نسخه خطی کتابخانه ملک بدون ترقیمه.



تصویر شماره (۳) نمونه‌ای از جدول و کمند از صفحه ۱۱۹ تذکره الابرار نسخه کتابخانه ملک تهران.



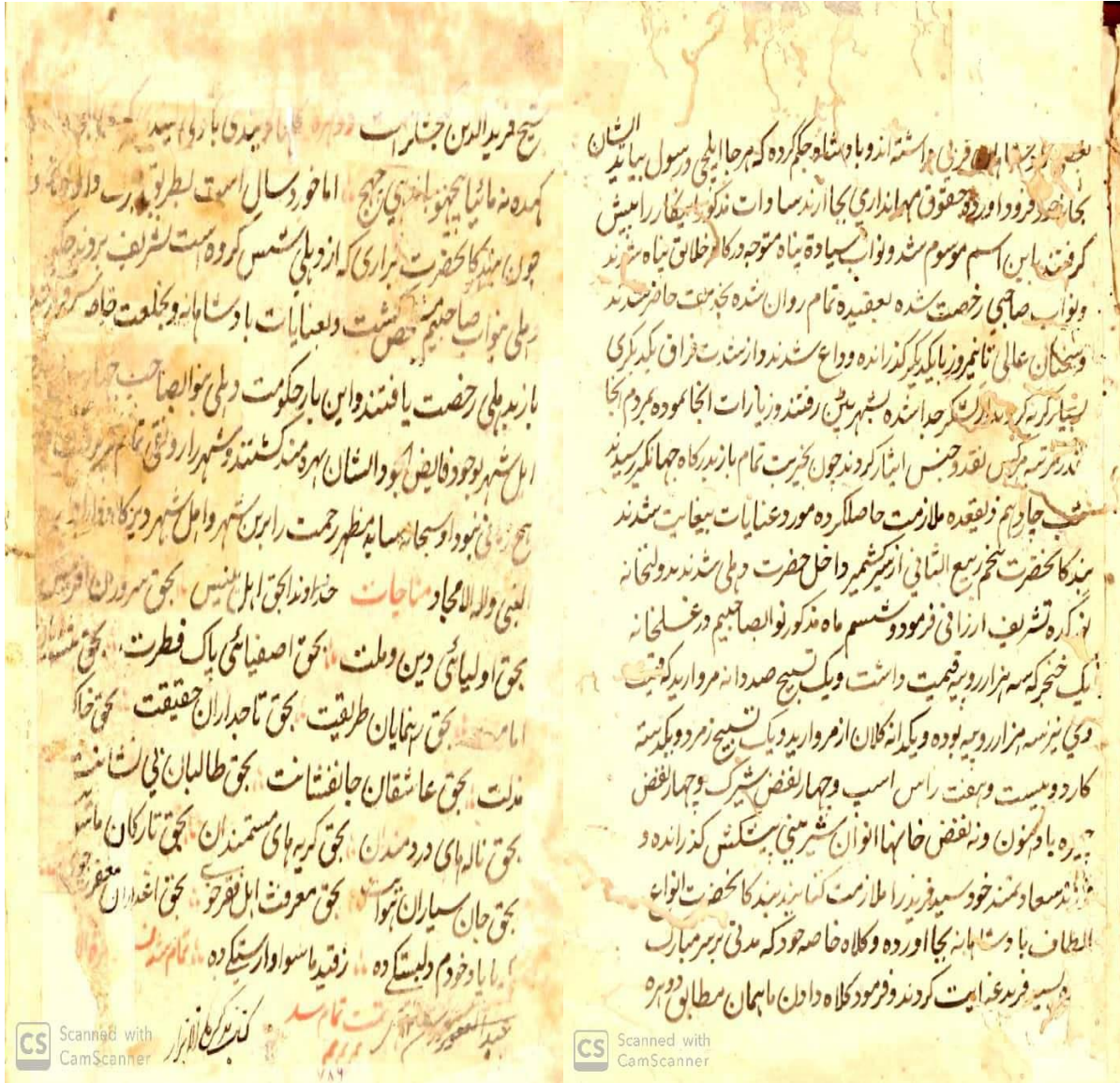
تصویر (۴) صفحات آغازین نسخه خطی کتابخانه مرعشی قم



تصویر (۵) اوراق پایانی نسخه کتابخانه مرعشی



تصویر (۶) برگه های آغازین نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی



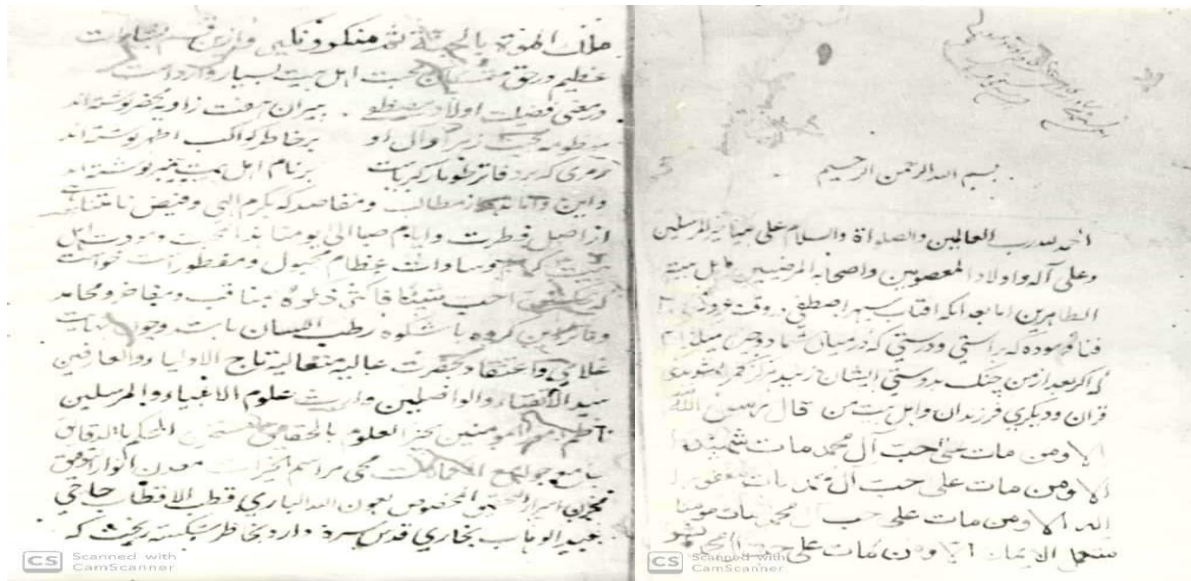
تصویر (۷) برگه‌های پایانی نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی



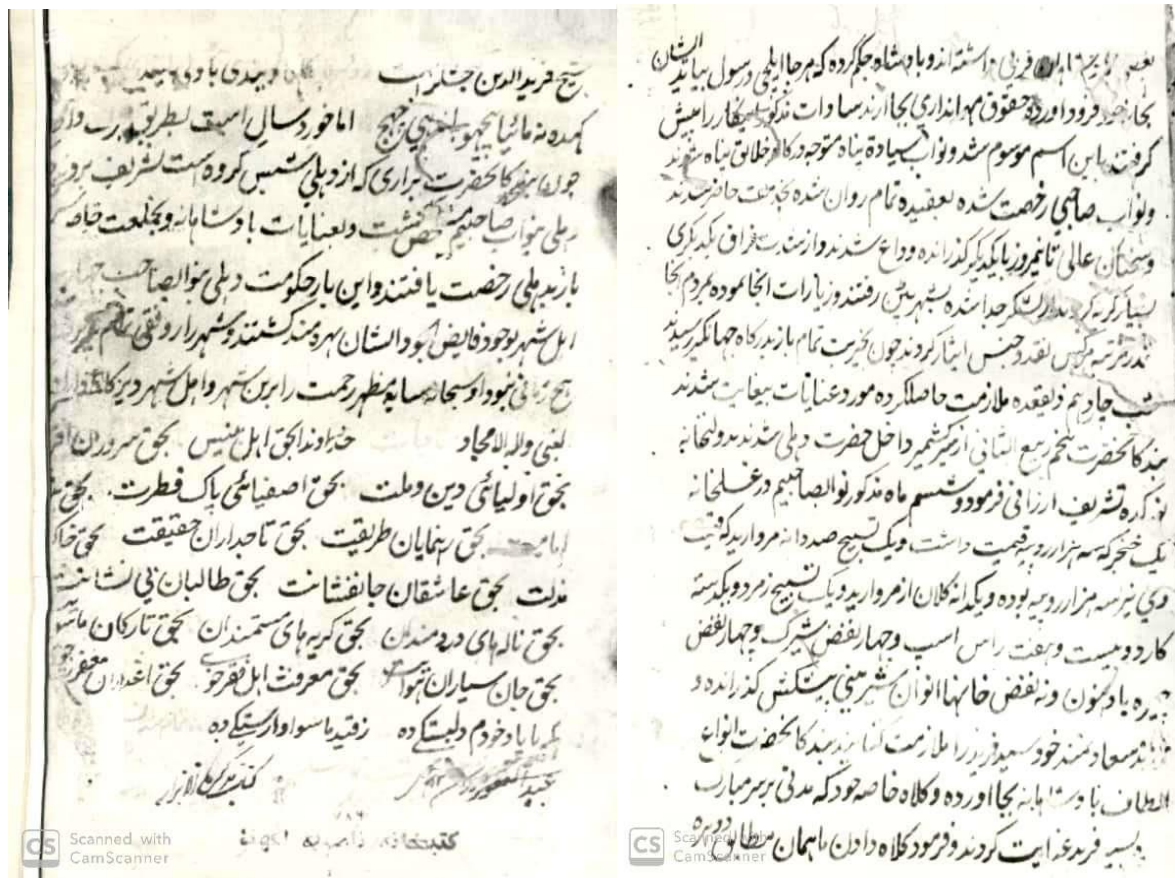
مطالعات

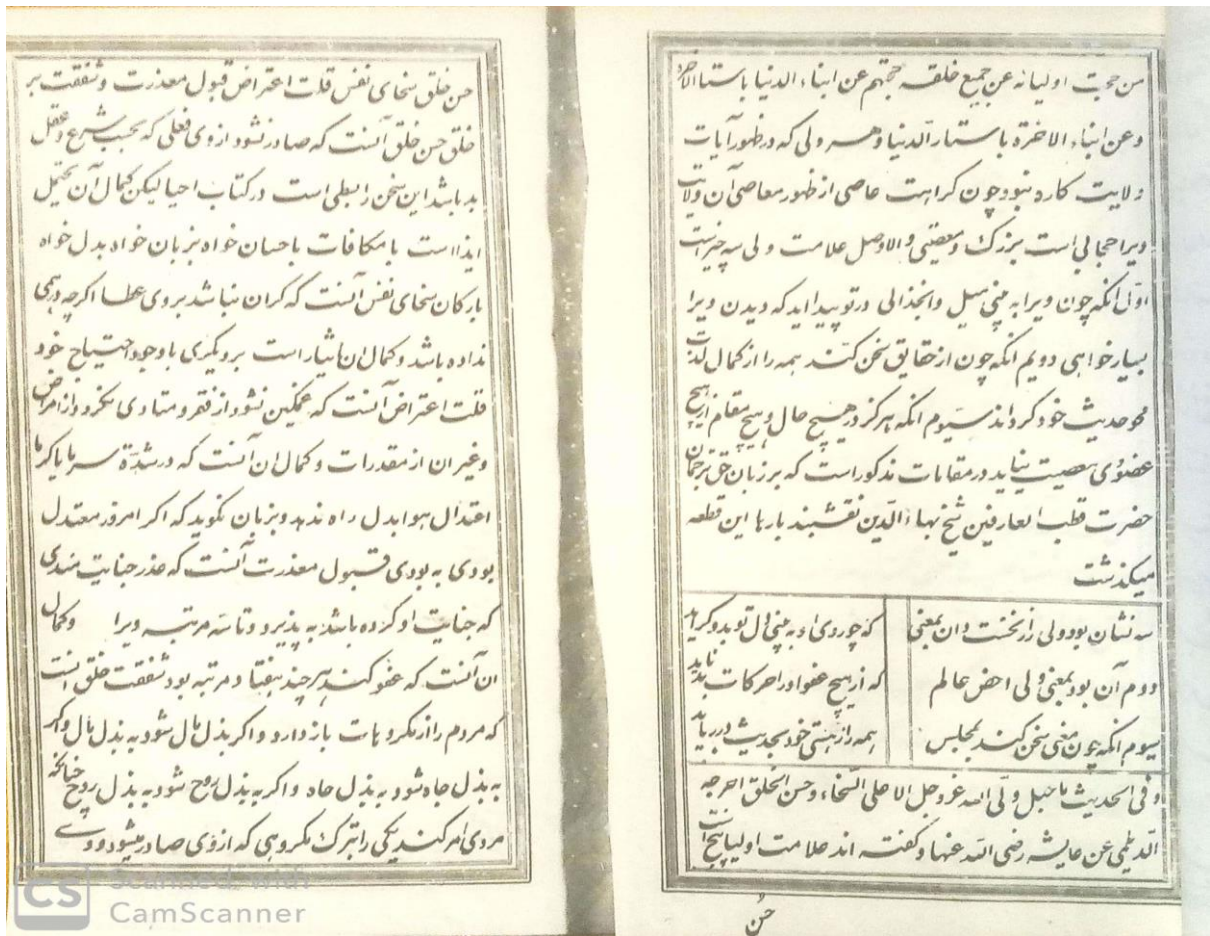
مقالات علمی

اخبار و گزارشها



تصاویر (۸) و (۹) صفحات نخست و پایانی نسخه‌عکسی مرکز احیاء قم که از نسخه‌اصل کتابخانه ناصریه لکهنو تهیه شده است.





تصویر (۱۰) نمونه‌ای از نسخه عکسی مرکز فرهنگی خراسان. این نسخه عیناً از نسخه خطی کتابخانه ملک تهران

عکس برداری شده است و هیچ تفاوتی با آن ندارد.